

به نتیجه نمی‌رسد. با همین صبر و حوصله، تا الان حدود چهل نمونه عروسک طراحی کرده‌ام که پانزده مدل از آن‌ها به تولید انبوه رسیده است.»

✚ عدو سبب خیر شد!

نوزاد، پدر بزرگ و مادر بزرگ، حاجی فیروز، قاجاری، سوزی، روسی، درویش، کامبیز موفرفری، مرد تربتی و مهدیس و مهشید از جمله عروسک‌هایی هستند که این بانوی خلاق آن‌ها را طراحی کرده و برخی از آن‌ها مانند همین حاجی فیروز به تولید انبوه هم رسیده‌اند. «همان اوایل که کار را شروع کرده بودم، یکی از مشتری‌ها به من پیشنهاد داد برای تخم مرغ‌های شب عید دهان و چشم هم بکشم تا برای مردم جذابیت داشته باشد و آن‌ها را بخرند.

پیشنهاد خوبی بود و همین پیشنهاد تا حدودی راه را به سمت عروسک‌سازی به من نشان داد. البته آن بنده خدا پول کارهای من را نداد ولی به قول قدیمی‌ها عدو سبب خیر شد و با این پیشنهاد مسیر خودم را پیدا کردم، هر چند ادامه این مسیر خیلی سخت بود و خیلی وقت‌ها از شدت فشار کار، ایستاده می‌خوابیدیم. جالب این است که خواب هم می‌دیدیم ولی نتیجه آن برای من و همسرم ارزشمند است زیرا توانسته‌ایم برای تعداد زیادی از خانم‌ها در خانه خودشان اشتغال ایجاد کنیم، هر چند درآمد آن کم است، مشکلات بسیاری را در خانواده‌ها حل کرده‌است.

مثلا همین چند وقت پیش یکی از خانم‌ها می‌گفت از وقتی کار عروسک‌ها را خانه می‌برد، شوهرش هم که درگیر اعتیاد است سرگرم شده و اختلافاتشان خیلی کمتر شده است. شوهر این خانم متأسفانه اعتیاد دارد و بعد از مصرف مواد، با بحث و جدل، همسرش را کتک می‌زد یا اینکه وقتی خانه خانم‌ها می‌روم و می‌گویند که وسایلی را که نیاز داشته‌اند با پول همین کار خریده‌اند خیلی خوشحال می‌شوم. این مسئله برای من خیلی ارزشمند است.»

✚ در برخی مناطق حاشیه شهر یک راهنما ایجاد کردیم

او کارش را با خانم‌ها از منطقه زندگی‌اش شروع می‌کند اما کم‌کم به سمت حاشیه شهر هم می‌رود. «اوایل، کار در همین محدوده پیروزی و سرافرازان بود ولی کم‌کم به مناطق حاشیه شهر مثل شهرک شهید رجایی، شهرک شهید باهنر، بولوار توس، طبرسی، طرق، ده‌غیبی و دیگر مناطق دورتر مثل بینالود رفتیم و کار را برای خانم‌های آنجا که به کار خانگی نیاز دارند بردیم. الان برای تسهیل کار در هر محله، یک راهنما مشخص کرده‌ایم. این راهنماها از خانم‌های بسیجی یا خانم‌های مسجدی هستند و خانم‌های هر محله را هماهنگ و کار را بین آن‌ها توزیع و از آن‌ها دریافت می‌کنند. حتی پرداخت دستمزد هم از طرف همین خانم‌هاست و مداخلتی نداریم. فقط با این افراد مستقیم در ارتباط هستیم.»

✚ عروسک‌های دوستدار خانواده

عروسک‌های خانم پاشنه‌طلا که دست‌دوزهای پارچه‌ای هستند به چند دلیل عروسک‌های دوست‌دار طبیعت هم نام گرفته‌اند. این عروسک‌ها هیچ آسیبی به محیط زیست نمی‌رسانند. «عروسک‌های ما عروسک‌های دوست‌دار طبیعت و محیط زیست هستند و به آن هیچ آسیبی نمی‌زنند. این عروسک‌ها چون در خانه تولید می‌شوند باری از آلودگی برای رفت‌وآمد روزانه خانم‌ها ندارند. از طرفی، چون همه مواد آن‌ها از پارچه است، اگر روزی بچه‌ای از آن‌ها خسته شود و دور بریزد، می‌توان از پارچه‌های آن‌ها استفاده کرد.»

✚ سرمایه اصلی ما بچه‌ها هستند

خانواده برای او خیلی مهم است و خودش هم کارش را با در اولویت قرار دادن خانواده و فرزندانش انجام می‌دهد. «سال ۹۴ خدا به من یک پسر و دختر دوقلو داد که اسم آن‌ها را محمدطاها و مهدیس گذاشتیم. سال ۹۸ هم دختر کوچک‌تر مهشید به دنیا آمد. با به دنیا آمدن بچه‌ها همه فکر می‌کردند کار را کنار می‌گذارم و به بچه‌ها می‌رسم ولی با همراهی همسر، کار را ادامه دادیم. یک وقت‌هایی شده بود که از خستگی بی‌هوش می‌شدم ولی هیچ وقت برای بچه‌ها کم نگذاشتم. از استراحت خودم می‌زنم تا به آن‌ها رسیدگی کنم و اعتقاد دارم اولویت باید خانه و بچه‌ها باشند. سرمایه اصلی ما فرزندانمان هستند. باید خیلی مراقبت کنیم و گرینه‌ناچار می‌شویم در آینده هزینه سنگین آسیب به روح و روان آن‌ها را بدهیم. در خانواده ما روزهای جمعه روز خانواده است و هیچ کاری جز برنامه‌های خانوادگی و تفریح نداریم و فعالیتی که به معنای کار اقتصادی باشد انجام نمی‌دهیم. البته که بچه‌ها هم در مسیر کار ما تاوان داده و سختی کشیده‌اند. پیش از

✚ چالش‌ها را تحمل کردیم

این بانوی کارآفرین برای تداوم کار مشکلات زیادی را پشت سر گذاشته و صبوری‌های زیادی داشته است. او روزهایی سخت مانند روزهایی که کرونا بازارها را تعطیل کرد تجربه کرده اما دست از کار نکشیده است. «دو سال کرونا

خیلی سخت بود ولی چالش‌ها را تحمل کردیم. سال اولی که کرونا شروع شد همه کارهایی که تولید کرده بودیم روی دستمان ماندند. سال دوم بخشی از کارها فروش رفت اما ایمان داشتیم به اینکه این سختی‌ها تمام می‌شود و همه چیز درست خواهد شد. البته در این ایام، اقوام و آشنایان هوای ما را داشتند و کمک‌ها بودند که توانستیم ادامه دهیم. در همین ایام همه‌گیری کرونا هیچ روزی کار ما تعطیل نشد و سفارش‌ها ادامه داشت زیرا واقعا نمی‌توانستیم به خیلی از خانم‌ها بگوییم فعلا کار نیست. آن‌ها از این طریق مخارج زندگی‌شان را تأمین می‌کردند و نمی‌شد کار را تعطیل کرد. به دعای خیر همین خانم‌ها و خانواده‌ها هم بود که کار دوباره جان گرفت و توانستیم ادامه بدهیم. خیلی وقت‌ها تصور این است که فقط خانم‌ها کار می‌کنند و دیگر اعضا از محلی دیگر درآمد دارند ولی واقعیت این است که بسیاری از خانم‌ها خانوادگی کار می‌کنند و همه درآمدی که دارند از همین کار است. جالب است که یک وقت‌هایی که خیلی خسته می‌شوم یا خودم می‌گویم دیگر ادامه نمی‌دهم ولی تا یک تلفن از طرف خانم‌ها می‌شود و کار را پیگیری می‌کنند، نظرم تغییر می‌کند و با انرژی پای کار می‌آیم.»

✚ تولید حدود یک میلیون عروسک با پرهیز از آزمون و خطا

به گفته خانم پاشنه‌طلا و همسرش، در هفده سال گذشته آن‌ها بیش از یک میلیون عروسک تولید کرده‌اند که این عروسک‌ها علاوه بر فروش در بازار ایران، این روزها راهی بازار عمان نیز شده و راهی برای تبادل فرهنگی به وجود آورده‌اند. «نزدیک هفده سال است که عروسک تولید می‌کنیم و تاکنون بیش از یک میلیون عروسک مختلف به بازار داده‌ایم. البته این عدد در سال‌های آینده رشد جهشی چشمگیری خواهد داشت زیرا مسیر را یاد گرفته‌ایم و دیگر آزمون و خطا نمی‌کنیم. در این مدت، چیزهایی یاد گرفتیم که کم‌کم به ما کمک کرده است و راه‌هایی را یافته‌ایم که بتوانیم از بحران‌ها نجات پیدا کنیم. مثلا مدتی که موی عروسک نایاب شده بود، ذهنم مدام درگیر بود که چه کار کنم تا اینکه به ذهنم رسید از بندهای کاپشن استفاده کنیم و بارش ریش کردن آن‌ها برای عروسک‌ها مو درست کنیم یا اینکه یاد گرفتیم که از باز یافتی‌ها و سرقیچی‌های کارگاه‌های خیاطی برای پر کردن داخل عروسک‌ها یا لباس آن‌ها استفاده کنیم.»

✚ صادرات ۸۰۰۰ عروسک به عمان

او شروع همکاری با عمان را از یک تماس تلفنی ناشناس در ماه مبارک رمضان بیان می‌کند. «ماه رمضان سال ۹۹ بود که تلفنم زنگ خورد. یک تماس اینترنتی از واتس‌آپ بود. تعجب کردم که دم سحری چه کسی با من کار دارد! گوشی را برداشتم. یک خانم ایرانی که آنجا زندگی می‌کرد گفت از عمان تماس می‌گیرد و شنیده است من در کار عروسک هستم و درخواست کرد عکس نمونه‌ها و قیمت‌ها را برایش بفرستم که اگر پسندید، برای آنجا خرید کند. ما فرستادم. ما افطار شاندیز بودیم. آن خانم زنگ زد و گفت از سه مدل از عروسک‌ها هر کدام پنجاه عدد می‌خواهد و می‌خواهد که تا ساعت ۱۱ شب به نشانی‌ای که می‌داد بفرستیم. آن لحظه با همسرم مشورت کردیم و گفتیم این ۱۵۰ عروسک ارزش این را که برگردیم مشهد ندارد اما بعد پشیمان شدیم وسایل را جمع کردیم و برگشتیم چون باور داریم باید به همه مشتریان احترام گذاشت. درست ساعت ۱۱:۱۵ عروسک‌ها را به نشانی‌ای که داده بود فرستادیم تا از آن طریق به عمان ارسال شود. کار را انجام دادیم و پول را پرداخت کردند اما تا دو ماه خبری از این خانم نبود تا اینکه بعد از دو ماه تماس گرفت و چهارصد عروسک دیگر سفارش داد. این روال ادامه پیدا کرد و به درخواست سفارش ۴ چهار عروسک هم رسید. خاطر هست اولین بسته‌ها را با خودروی شخصی فرستادیم ولی این اواخر از کامیون استفاده می‌کردیم. تا الان حدود ۸ هزار عروسک به عمان فرستاده‌ایم. کار خداست که این عروسک‌ها مورد توجه و استقبال بچه‌های آنجا قرار گرفته است.»



شهربانو

۲۳ شهریور
۱۳۴۰
۴ دی‌ماه ۱۴۴۲ شماره ۳۷۰

(۵)